

سپهرغرب، گروه سیاسی: «وضعیت کنونی کشمیر کار انگلیس خبیث است؛ این زخمی است که انگلیس‌ها در شبه قاره از سال ۱۹۴۷ ایجاد کردند. انگلیس‌ها تعمد داشتند تا با تقسیم شبه قاره به هند و پاکستان هم این زخم خوب نشود و همیشه این عامل اختلاف بین این دو کشور، وجود داشته باشد.» ۳۰/۵/۱۳۹۸

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت با اشاره به این موضوع، خطاب به دولت هند گفتند: «ما با دولت هند روابط خوبی داریم اما انتظار و توقع از دولت هند این است که سیاستی منصفانه در قبال مردم نجیب کشمیر در پیش بگیرد و به مردم مسلمان این منطقه زور گفته نشود.» ۳۰/۵/۱۳۹۸

به همین مناسبت در گفتگویی با آقای ابوالفضل زارعی، راینر سابق سیاسی سفارت ایران در هند موضوع کشمیر، ریشه‌ها و دلایل اتفاقات اخیر در این منطقه را بررسی شده که در ادامه می‌خوانید.

۲۲ در آغاز بحث، لطفاً توضیحی درباره منطقه کشمیر و موقعیت جغرافیایی و تاریخی آن بفرمایید.

کشمیر یک منطقه بسیار مهم و سوق‌الجیشی در شبه قاره هند است. به لحاظ جغرافیایی در شمال غربی شبه قاره است و از شمال شرق در دامنه کوه‌های سر به فلک کشیده و دائماً پربرف قره‌قروم قرار دارد. در اهمیت موقعیت جغرافیایی این منطقه همین بس که در همسایگی کشورهای هند، پاکستان، چین و افغانستان است و برای هر کدام از این کشورها اهمیتی ویژه دارد. از یک طرف این منطقه بین کوه‌های بسیار سخت و صعب‌العبور هیمالیا و قره‌قروم واقع شده که یک مانع و حفاظ طبیعی در برابر تجاوز و حملات احتمالی مثلاً از ناحیه چین به هندوستان به شمار می‌آید.

کشمیر به لحاظ رودخانه‌های پرآیش نیز اهمیتی خاص دارد. سه رودخانه‌ی جهلم و سند و پنجاب هند از این منطقه سرچشمه می‌گیرند و به همین دلیل به عنوان تاج هند لقب گرفته است. همچنین رگ حیات کشاورزی و آب پاکستان در این منطقه است. چین نیز تنها راه ارتباطی زمینی‌اش با پاکستان از این منطقه می‌گذرد.

کل ایالت کشمیر شامل بخش‌های پاکستان و هند و چین حدود ۲۲۲ هزار کیلومتر مربع مساحت دارد. از این مقدار حدود ۱۰۱ هزار کیلومترش تحت کنترل هند است که به جامو و کشمیر معروف است. حدود ۹۹ هزار کیلومتر دیگرش در اختیار پاکستان است که با عنوان کشمیر آزاد و منطقه‌ی گلگت بلتستان شناخته می‌شود که منطقه‌ی قره‌قروم نیز در این ناحیه است. ۴۲۶۵۰ کیلومتر آن هم در اختیار چین است. بخشی از این ۲۲۶۵۰ کیلومتر را چین در جنگ سال ۱۹۴۲ تصرف کرد و بخشی را نیز دولت پاکستان به چین هدیه داده است. البته این منطقه کوشمیرا از دست و تقریباً خالی از سکنه به حساب می‌آید و البته به لحاظ ارتباطی و سوق‌الجیشی بسیار حائز اهمیت است. به همین دلیل چینی مدت‌ها در ارتباط با کشمیر اظهار نظر خفیه داشته، اما پس از آغاز و راهاندازی پروژه‌ی وان بلت وان رود (راه ابریشم جدید) چین که از این منطقه می‌گذرد و نیز به سبب راه ارتباطی چین با پاکستان و بزرگراه قره‌قروم، الان چین هم روی این حساس شده است. به لحاظ منابع طبیعی نیز بحث آب و محصولات کشاورزی و مزارع برنج و باغات سیب و انار و سردرختی کشمیر معروف است. یعنی کلا یک منطقه‌ی بسیار مستعد و با پتانسیل بسیار بالای است.

اگر بخواهیم اشاره‌ی کوتاهی به تاریخچه‌ی این منطقه داشته باشیم، همواره و از اعصار گذشته به دلیل اهمیت و شرایط کشمیر، خیلی‌ها دنبال این بودند که بر این منطقه حاکمیت داشته باشند؛ مثلاً اسکندر مقدونی یا سلطان محمود غزنوی، اما این‌ها چندان موفق نشدند. تا این که فردی به نام شاه‌مهر یا سونی توانست این منطقه را تصرف کند و از سال ۷۲۱ توانست در این منطقه حکومت اسلامی را برقرار سازد. این ادامه داشت تا وقتی مغول‌ها به جهت تصرف آن حرکتی را انجام دادند و توانستند آن را از دست این‌ها قدا درآورند. سه‌سال مغول‌ها بر کشمیر حاکم بودند و بعدها افغان‌ها آن را گرفتند که تا قرن ۱۹ ادامه یافت. بعد از افغان‌ها سیکه‌ها در منطقه را تصرف کردند که این دوران مصادف شد با حضور انگلیس در منطقه. انگلیس‌ها هم خواستند این منطقه را تصرف کنند، اما فردی به نام رنجی سینگ که توانسته بود کشمیر را از دست افغان‌ها دربرآورد، مقابله با انگلیس‌ها را آغاز کرد. بنابراین این قوم شکست خوردند و این منطقه را واگذار کردند تا انگلیس. بعد که انگلیس‌ها آمدند، به پاس خدمت آقای سینگ به پاکستان به عنوان سربسلسله‌های دוגراه‌ها بود، نهایتاً این منطقه را به مبلغ بسیار ناچیزی به او فروختند. از این‌جا به بعد مصیبت منطقه کشمیر آغاز شد.

بر اساس قراردادی که در سال ۱۸۴۶ بین انگلیس‌ها و سربسلسله‌ی دוגراه‌ها منعقد شد و این منطقه به مبلغ هفت‌هزیم میلیون روپیه به این‌ها فروخته شد، حاکمیت دوجرا‌ها بر کشمیر آغاز شد و تا سال ۱۹۴۷ ادامه یافت که داستان جدایی هند و پاکستان پیش آمد. در این مقطع انگلیس پذیرفت که این منطقه به دو قسمت تقسیم شود. مبنای تقسیم صرف این بود که بخش‌های دارای اکثریت مسلمان ملحق به پاکستان شود و کشور پاکستان به وجود بیاید، بخش‌های با اکثریت هندو هم در اختیار دولت هند باقی بماند، منتها بر این اساس انگلیس‌ها تفویض اختیار کردند بر مبنای این استقلال به حاکمان ایالت‌ها که آن‌ها هم بر اساس میل مردم ایالت‌شان تصمیم بگیرند که ملحق به پاکستان بشوند یا در هند باقی بمانند.

این معاهده انگلیسی به طور صددرصد امکان اجرا نداشت و اجرا هم نشد. به دلیل اینکه بعضی ایالت‌های جنوب هند مانند ایالت کسرا یا ایالت آندراپرادش دارای اکثریت مسلمان بودند، اما این امکان نبود که به پاکستان ملحق شوند. جاهایی هم که نقل و انتقال صورت گرفت و درواقع مسلمان‌ها کوچ کردند به پاکستان، قتل عام‌های شددیدی در مسیر توسط هندوها و دیگران اتفاق افتاد و همین باعث شد که حاکمان ایالت‌های آندراپرادش و کرا و جاهای دیگر دیدند شرایط عملاً قابل اجرا نیست و بناچار پذیرفتند که در هند بمانند.

اما کشمیر به لحاظ این تقسیم‌بندی باید به

پاکستان ملحق می‌شد و این مشکل را هم نداشت و هم‌مرز با پاکستان بود، منتها حاکم وقت کشمیر با تأمل برخورد کرد. به عبارتی او مخالف این اتفاق بود و آن را در اجرا جدی نگرفت. کنگره ملی هند هم مخالفت داشت و نهایتاً با تأخیر انجام شد. تا این که اکتبر همان سال ۱۹۴۷ عشایر پاتان از منطقه پاکستان با حمایت ارتش این کشور مسلح شدند و حمله کردند به کشمیر که کل آن را تصرف کردند. این وقت کشمیر وقتی این مسئله را خیلی جدی دید، گروه پیشروی کردند تا منطقه‌ی شریف‌آباد فعلی که نزدیک سرینگر است، یعنی مرکز دره کشمیر. حاکم وقت کشمیر وقتی این مسئله را خیلی جدی دید، نگران شد و به دلهی فرار کرد و از دولت مرکزی هند درخواست کمک کرد. لذا یک فرصت طلایی برای هند‌ی‌ها به دست آمد.

دیگر از این‌جا دقیقاً نقش انگلستان شروع شد، منتها من این توضیح اضافه جغرافیایی را بدهم که الان منطقه فعلی کشمیر که در اختیار هند است، از سه منطقه اصلی دره کشمیر و جامو و لداخ تشکیل می‌شود. اکثریت منطقه دره کشمیر مسلمانند، در جامو هندوها بیشترند و در منطقه لداخ که مرکز شهر له هست، بودایی‌ها بیشتر هستند. البته در همین منطقه یک بخشی به نام کارگیل در منتهایله مرز پاکستان و هند هست که بالای ۹۹ درصد ساکنانش شیعه هستند و شیعیان بسیار مخلص.

۲۲ الان اوضاع مسلمان‌ها در این‌جا به چه صورت است از لحاظ درصد جمعیت؟ آیا تعداد مسلمانان این بخش مشخص است؟

اما دقیق در شبه قاره تقریباً وجود ندارد، ولی صحبت از حدود دوازده تا شانزده میلیون نفر جمعیت مسلمان است. ایالت جاموی کشمیر که البته اکثراً اهل سنت هستند، منتها حنفی‌مذهبن و بسیاری آدم‌های علاقه‌مند به اهل بیت (علیهم‌السلام) و به خصوصاً از این ایالت مسلمان‌ها اکثریت دارند، چه دو سه میلیون نفرشان شاید شیعیان باشند. مجموعاً در این ایالت مسلمان‌ها اکثریت دارند، چه شیعه و چه سنی با آن کیفیتی که عرض کردم.

۲۲ نقش تاریخی انگلستان در تحولات منطقه کشمیر به چه صورتی بوده است؟

بذر این مبینی را که کل الان کشمیر دارد می‌کشد، انگلیسی‌ها کاشتنند در منطقه؛ همان جور که خیلی جاهای دیگر هم همین کار را کردند. جاهای دیگر هم انگلیس و دیگر کشورهای استعماری یک جای پایهای این چنینی را بلاتکلیف و نامشخص باقی گذاشته‌اند و از همین جا‌ها چنین مصیبت‌هایی شروع می‌شود و سر باز می‌کند.

انگلیس‌ها در اول ورودشان به شبه قاره در قالب یک کمپانی بودند و درواقع هند‌ی‌ها را فریب دادند که ما می‌خواهیم یک شرکتی بزنیم و مرکزمان را می‌گذاریم کلکته و اصلاً کاری هم به جاهای دیگر نداریم. هدف‌مان هم این است که نیازمندی‌های شما را تأمین کنیم. همان‌طور که در ایران می‌گفتند ما می‌خواهیم این نفت کشیف و سیاه را ببریم که به درد شما نمی‌خورد، آن‌جا هم شیعه همین را گفتند که ما می‌خواهیم نیازمندی‌های شما را تأمین کنیم و کار دیگری نداریم. آرام‌رام که آمدند و پاگرفتند، کل هند را اشغال کردند و آن روز زغال سنگ هند را بردند که از بهترین انرژی‌ها بود و سوخت اقلب ادوات جنگی بود و نقش گاز و نفت امروزی را بازی می‌کرد. منطقه شبه قاره هم ملو از منابع ذغال سنگ بوده و هست.

انگلیسی‌ها به‌تدریج کل هند را گرفتند و سعی کردند کشمیر را هم به این شکلی که عرض کردم، به تصرف درآورند، اما نهایتاً به این شکل واگذارش کردند به قوم دوجرا؛ یعنی یک اقلیت هندو را حاکم کردند بر اکثریت مسلمان‌ها. قائله کشمیر از این‌جا شروع شد تا امروز ادامه دارد.

می‌دانید که تاکنون چهار جنگ بیسن هند و پاکستان اتفاق افتاده؛ یکی همان سال ۴۷-۴۸ بود، یکی سال ۱۹۶۵ بود، یکی سال ۱۹۶۸ که تا ۷۰- ۷۱ طول کشید و بنگلادش جدا شد از هند. قبلاً فقط یک پاکستان بود و بنگلادش به عنوان پاکستان شرقی مطرح بود، اما سال ۷۰-۷۱ بنگلادش جدا شد.

«مسئله کشمیر»، گذشته تاریخی و چشم‌انداز پیش‌رو؛

بحران کشمیر؛ نتیجه معاهده انگلیسی



آخرین جنگ خاص هم در منطقه کارگیل در سال ۱۹۹۹ اتفاق افتاد. این اتفاقات تا امروز نیز ادامه یافته و مسئله کشمیر بر روابط دو کشور سایه افکنده است. البته این احساس وجود دارد که داستان تنها کشمیر نیست و گویی کل مسلمان‌های هند را هدف گرفته باشند با این حرکت‌های اخیر.

۲۲ نقش و دخالت صهیونیست‌ها در این منطقه را چطور می‌توان تحلیل و تبیین کرد؟

از زمانی که روابط هند‌ی‌ها با اسرائیلی‌ها بیشتر شد، این‌ها توانستند از کمک‌های نظامی و مشورتی و اطلاعاتی صهیونیست‌ها استفاده کنند و به تدریج بر کشمیر مسلط شوند. کسی در این تردید ندارد. امروزه رابطه هند و اسرائیل یک رابطه راهبردی و استراتژیک است. مخصوصاً از زمانی که آقای مودی نخست‌وزیر فعلی هند سر کار آمد. از موقعی که ایشان سرورزیر بود، چند بار به ایالت گجرا سفر کرد و بعد که نخست‌وزیر شد، نخستین نخست‌وزیری بود که از اسرائیل دیدن کرد و روابط بین این دو کشور را شتاب داد. الان هم قطعاً روابطشان راهبردی و استراتژیک است.

در همین قضیه‌ی کشمیر بارها و بارها صهیونیست‌ها به هند‌ی‌ها مشورت داده‌اند. البته همیشه هند‌ی‌ها را دچار مشکل کرده‌اند؛ چنان که این اتفاقات اخیر هم باز مشکل‌آفرین شده است.

از آن طرف برخی احزاب هندو مثل آراس‌اس یا دیگران با احزاب صهیونیستی مشترکات فکری دارند و خیلی با هم خودمانی هستند. همچنین روابط ارتباطی‌شان برقرار است. لذا چیزی که مشخص است و به عنوان مصادق می‌توان در نظر گرفت، این است که مراودات متعددی بین دو کشور برقرار است. سفر هیأت‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، امنیتی، نظامی و نیز قراردادهای در همین زمینه‌ها بین دو کشور به امضا رسیده و می‌رسد و کاملاً مشخص است که روابطشان راهبردی است.

در ارتباط خاص با اتفاقات اخیر و اینکه چرا هند این مساه ۳۲۰ را از قانون اساسی‌اش ملغی کرد و چه اتفاقی افتاده، یک تحلیل این است که باید این حرکت را فراتر از هند دید و چه‌بسا ربط پیدا می‌کند به همین داستان معامله قرنی که در ارتباط با فلسطین دنبال می‌کنند. درواقع این‌ها دارند تست می‌کنند و هدفشان کل جهان اسلام است. اول آمدند گفتند قدس پایتخت اسرائیل است و متأسفانه صدای از دنیای اسلام بلند نشد. شاید انتظار داشتند که حداقل یک حرکتی انجام شود، اما اتفاقی نیفتاد. بعد گفتند بلندی‌های جولان هم ملحق به اسرائیل است. باز دیدند خیلی خبری نشد. این دوستانی که بر این نظرنه، می‌گویند که کشمیر گام سوم در این راستاست.

متأسفانه باز هم می‌بینیم این حدود چهار هفته از این حادثه می‌گذرد و خیلی ننگ‌آور است که در این اوضاع نخست‌وزیر هند سفر می‌کند به دو کشور اسلامی امارات و بحرین و آن‌ها متأسفانه بالاترین نشان افتخارشان را می‌ننذازند گرد آن!

لذا عده‌ای می‌گویند این تست بعدی است و چه‌بسا که دامن کل مسلمان‌های شبه قاره را بگیرد. درست است که متأسفانه مسلمان‌های دنیا نسبت به قسه کشمیر تا الان خیلی حساس نبودند و خیلی دخیل نشدند و ناراحتی‌شان را ابراز نکردند، اما خود مسلمان‌های هند هم درگیری‌ها و مسائلی دارند و نمونه‌اش داستان مسجد بابری یا معبد رام است.

همین دور قبل دولت آقای مودی وارد احوال شخصی مسلمان‌ها شدند و گفتند معنا ندارد که دادگاه‌ها بر اساس اسلام باشند و این‌جا کشور هندوستان است و همه دادگاه‌ها باید تابع یک قانون باشند. داستان سه‌مطلاق را که اصلاً ارتباطی نداشت به دستگاه حکومت، وارد شدند و حالا رفته در مجلس‌شان و گیر کرده. قسه معبد رام به یکی از مسائل اساسی و مهم هند است و حتماً اگر از قسه کشمیر به سلامت برین کنند، آن داستان را هم اجرا خواهند کرد و این دوستان بر این نظرنند.

۲۲ «این مادی ۲۷۰ چیست که این همه مطرح است و در چندین‌ها یک اصل از قانون اساسی خودشان را دارند لغو می‌کنند؟

سال ۱۹۴۷ که درگیری‌ها در هند شدت گرفت و همان هجوم عشایر که عرض کردم، این قضیه به سازمان ملل و شورای امنیت هم کشیده شد. هند‌ی‌ها شکایت کردند به شورای امنیت، چون آن

موقع یک مقدار در موضع ضعف بودند. شورای امنیت در این باره دو قطعنامه صادر کرد در سال‌های ۱۹۴۷ و ۱۹۴۹. در آن قطعنامه‌ها آمده که بر اساس تقسیم باید مناطق مسلمان‌نشین شبه قاره ملحق بشود به پاکستان و مناطق هندونشین ملحق بشود به هند. از پاکستان هم خواسته شد که این اقوام عشایری را که حمایت کرده و وارد کشمیر کرده، این‌ها را بیرون بکشد. به هند هم اجازه دادند که یک نیروی محدودی را برای کنترل آن منطقه داشته باشد، اما با توجه به فضایی که در کشمیر به وجود آمد، در همان قطعنامه آمده که با توجه به این قسه باید رفتارندو برقرار شود و از مردم نظرخواهی کنند و بر اساس میل مردم تصمیم‌گیری شود، چون اصل اصول تقسیم این است که بر اساس میل مردم ملحق بشوند به این‌سور یا به آن‌ور. در قطعنامه‌ی شورای امنیت هم این آمده که تا وقتی این رفتارندو برقرار نشده و این نظرخواهی نشده، منطقه کشمیر نه متعلق به هند باشد و نه پاکستان. از این‌جاست که کشمیر به صورت یک منطقه مورد منازعه قرار گرفته و دارای یک نوع خودمختاری متفاوت است با جاهای دیگر.

بر همین مبنای یک بندی را قانون اساسی هند تجزاندند که شد همین مادی ۳۲۰.

روح این مادی قانون ۲۷۰ یک بندی است به نام ۲۵ ای که کشمیر را از ۱۹۴۷ تا امروز سرآ به نام ۳۵ ای که کشمیر را از قانون اساسی‌اش ملغی کرد و واقعاً چقدر جوان‌های آنجا کشته شدند و چقدر مردم مصیبت دیدند، اینکه در این مدت و تا الان کشمیر با یک هویت مستقل سرپا مانده، همین قانون و همین مادی ۳۵ ای هست، زیرا این قانون و این ماده اجازه نمی‌دهد کسانی که غیر کشمیری هستند، در کشمیر زمینی بخرند یا آن‌جا به طور طولانی‌مدت بمانند و مایملکی داشته باشند. لذا در این مدت و بر اساس این ماده، دولت مرکزی هند نتوانسته بافت جمعیتی کشمیر را دچار تغییر و تحول کند، اما لغو این ماده این مسیر را باز می‌کند تا بفراحتی بتوانند با ورود غیر مسلمان‌های غیر کشمیری، بافت جمعیتی را تغییر و تحول شد، دیگر همه کار می‌توانند بکنند.

حالا حرکتی که شده، این بوده که اولاً این مادی قانون اساسی را لغو کرده‌اند. ثانیاً حرکت بعدی هم تکرمله این بوده و کلا گفته‌اند این منطقه به دو منطقه فرمانداری تبدیل شود. یعنی کشمیر دیگر نه مجلس خواهد داشت و نه سرورزیر و نه دیگر حکومتی از خودش، چون الان مستحضرید که حکومت ایالتی دارد و مجلس و شورای قانون‌گذاری دارد که در حکم مجلس راجا‌سیپاسا است. همچنین پارلمان ایالتی دارد که در حکم مجلس مرکزی لوک‌سیا است. همه امور ایالت غیر از موارد دفاعی و سیاست خارجی هم که تاکنون توسط حکومت ایالت انجام می‌شده، الان این را هم گرفته‌اند و دیگر باید مسلمان‌ها شدند و این حق مردم کشمیر است. قبل از این روایتی که با این کشمیر داشته باشند، مگر این که کشمیر بداندند که جمهوری اسلامی به عنوان المقرای حقیقی است. حقوقی است. حقیقی از این جهت که بر اساس همان مبنای تقسیمی که خودشان می‌گویند، باید از مردم نظرخواهی شود که چه می‌خواهند. اصلاً شاید گفتند و نه هند و نه پاکستان. پس این از همین جا حقوقی هم می‌شود و این حق مردم کشمیر است. قبل از این که مساله کشمیر سیاسی و مذهبی شود، یک مساله حقیقی و حقوقی است.

اولاً موضع ما به نظرم باید این باشد که حق مردم کشمیر احقاق و اعاده شود. حالا یک چیزی هم معروف است به نام حق تعیین سرنوشت. مبنایش هم همان مبنای تقسیم است. در یک فضای آرام باید از این روایتی که با این کشورها داریم، استفاده کنند. البته هند همیشه موضع گرفته در قبال میانجی‌گری و به هیچ کشوری این اجازه را نداده و معتقد است که این موضوع نباید بین‌المللی شود، اما ما می‌توانیم از روایتمان استفاده کنیم. در همین قضایای که اخیراً اتفاق افتاد، هیچ اشکالی نداشت که یک هیأت از وزارت خارجه که دوستانه می‌رفتند تا حداقل مردم کشمیر بداندند که جمهوری اسلامی به عنوان المقرای جهان اسلام چشمش را بسته روی این اتفاقات. من می‌دانم همه عزیزان در ایران ناراحتند از این اتفاق و کسی نمی‌تواند ناراحت نشود.

۲۲ اگر طرفین این منازعه بپذیرند و بخواهند که ایران به عنوان میانجی وارد شود، به چه مدلی ما باید ورود کنیم به این قضیه و به چه سازه‌ی کاری؟ چگونه باید برای حل این مشکل چاره‌اندیشی داشته باشیم؟
قبلاً هم ما به نوعی و با ظرافت‌هایی اعلام کرده‌ایم که آماده‌ی میانجی‌گری هستیم، اما هند قبول نمی‌کند و مخالف است. ما باید دوستانه به هند‌ی‌ها مشورت بدهیم. ما باید آن‌ها را متوجه کنیم که کسی که الان دارند به شما مشورت می‌دهند، قطعاً خیرخواه هند نیستند و می‌خواهند این کشور دچار بحران باشند. همین الان ببینید مسئله کشمیر که در واقع فشاری تبلیغاتی از سمت اسرائیل منحرف شد و دولت‌ها تکاتی نخوردند و چشم‌شان را بستند، ولی درواقع فشاری تبلیغاتی از سمت اسرائیل منحرف شد و تبلیغات علیه صهیونیست‌ها کاهش پیدا کرد. پس

می‌تواند همین یکی از عوامل این نوع مشورت‌هایی باشد که همین‌ها به هند‌ی‌ها می‌دهند.

الان باید مجامع بین‌المللی و سازمان کنفرانس اسلامی تحرک داشته باشد. نباید از دیپلماسی غافل باشیم. باید دیپلماسی عمومی‌مان را فعال کنیم. حتی در خود جامعه هند که این بستر و این زمینه وجود دارد. حداقل کشمیر را بشناسانیم. در مورد پاکستان هم باید اشتباهات آن‌ها را هم بگوییم. پاکستان در مقوله کشمیر اشتباهات فاحشی کرده و از جمله در همین اتفاق اخیر. هم‌زمان که اینن ماده قانون لغو می‌شود و این اتفاق در کشمیر می‌افتد، پاکستان از روی انفعال دو تا خمپاره می‌زند و بعدش هم هیچ کاری نمی‌کند. این یعنی بهترین بهانه را به دست هند داده که من اصلاً با پاکستان درگیرم و با کشمیر کاری ندارم. همین الان گفتند ما داریم جلوی تروریسم را می‌گیریم و از این ماده سوءاستفاده می‌شیده و ما آن را لغو کردیم. خب این که پاکستان متقابلاً خمپاره زد، کار بسیار اشتباهی بود.

در فضای فرهنگی هم باید تحرکاتی بکنیم. مراکز غیر رسمی ما مانند انمه محترم جمعه که البته یک عکس‌العمل‌هایی داشتند و مراجع محترم باید روشنگری کنند و وارد صحنه شوند تا کشمیری‌ها احساس تنهایی نکنند.

به نظر من موضع ما نباید تقلید بیانیه وزارت خارجه‌ی آمریکا باشد. این شأن نظامم جمهوری اسلامی نیست. آن‌ها می‌گویند طرف‌ها را به خویشن‌ناری دعوت می‌کنیم. ما هم می‌اییم رسماً می‌گوییم طرف‌ها را به خویشن‌داری دعوت می‌کنیم! کدام طرف‌ها را؟ یک طرف دارد می‌کشد و یک طرف دارد کشته می‌شود. اصلاً توازن برقرار نیست. خویشن‌داری زمانی است که دو طرف یک توانایی داشته باشند. الان یک طرف اصلاً هیچ چیز در دست ندارد. حتی دارو ندارد. بر اساس آمار ی که خود اخبار رسمی هند داده، الان کمتر از نصف داروخانه‌ها در آن‌جا فعال است که اگر این خبر صحت داشته باشد، واقعاً فاجعه است. بنابراین ما نباید بی‌تفاوت باشیم.

روابط ما با هند روابط بسیار مهمی است و من به این واقفم، اما حتی اگر نگاه به این روابط هم داشته باشیم، کشورها در روابط دوستانه‌شان باید از ابزارهایی که در اختیار دارند، استفاده کنند و نباید این ابزارها را کند کنند و از بین ببرند. قدرت مسلمان‌ها در منطقه‌ی شبه قاره یا کشمیر ابزاری است که خیلی راحت و مسالمت‌آمیز می‌شود از آن استفاده کرد. شما اگر با دست خود این‌ها را کنار بگذارى، معلوم نیست در روابط دوجانبه هم خیلی توفیقی حاصل بشود.

فرمایش اخیر رهبر انقلاب و صحبت اخیر‌شان به این واقفم، اما حتی اگر نگاه به این روابط هم داشته باشیم، کشورها در روابط دوستانه‌شان باید از ابزارهایی که در اختیار دارند، استفاده کنند و نباید این ابزارها را کنار بگذارى، معلوم نیست در روابط دوجانبه هم خیلی توفیقی حاصل بشود. فرمایش اخیر رهبر انقلاب و صحبت اخیر‌شان به این واقفم، اما حتی اگر نگاه به این روابط هم داشته باشیم، کشورها در روابط دوستانه‌شان باید از ابزارهایی که در اختیار دارند، استفاده کنند و نباید این ابزارها را کنار بگذارى، معلوم نیست در روابط دوجانبه هم خیلی توفیقی حاصل بشود.

۲۲ به عنوان سؤال پایانی آیا به نظرتان مساله کشمیر با پایان دولت فعلی هند و تغییر و تحولاتی که انجام می‌شود، تمام خواهد شد یا اینکه یک مساله تاریخی است و اگر ریشه‌ای برایش فکری نشود، کماکان مسئله ادامه خواهد داشت؟

مساله کشمیر وابسته به دولت‌ها در هند نیست. البته دولت فعلی که دور قبل هم دولت بود و از حزب بی‌جی‌بی است، این‌ها به دلیل نگاه خاص‌شان و می‌فرمایند در پیام جشان و اصلاً یک اتفاق دیگری آن‌جا می‌افتد و یک بازتاب عجیبی پیدا می‌کند. همین خطبه‌های نماز عید فطر ایشان یک روح دیگری می‌دهد به مردم آن‌جا. فرمایش‌های ایشان بلاشک تأثیرگذار است، اما ما اول باید وظایف خودمان را انجام بدهیم و کار خودمان را بکنیم و جایی هم اگر لازم باشد و رهبری صلاح و مصلحت ببینند، وارد می‌شوند و قطعاً هم تأثیرگذار خواهد بود.

۲۲ مساله کشمیر با پایان دولت فعلی هند و تغییر و تحولاتی که انجام می‌شود، تمام خواهد شد یا اینکه یک مساله تاریخی است و اگر ریشه‌ای برایش فکری نشود، کماکان مسئله ادامه خواهد داشت؟
مساله کشمیر وابسته به دولت‌ها در هند نیست. البته دولت فعلی که دور قبل هم دولت بود و از حزب بی‌جی‌بی است، این‌ها به دلیل نگاه خاص‌شان و می‌فرمایند در پیام جشان و اصلاً یک اتفاق دیگری آن‌جا می‌افتد و یک بازتاب عجیبی پیدا می‌کند. همین خطبه‌های نماز عید فطر ایشان یک روح دیگری می‌دهد به مردم آن‌جا. فرمایش‌های ایشان بلاشک تأثیرگذار است، اما ما اول باید وظایف خودمان را انجام بدهیم و کار خودمان را بکنیم و جایی هم اگر لازم باشد و رهبری صلاح و مصلحت ببینند، وارد می‌شوند و قطعاً هم تأثیرگذار خواهد بود.

لذا این که بگوییم اگر دور دوم دولت آقای مودی گذشت و دولت حزب بی‌جی‌بی با آقای مودی رفت و دیگری آمد، نه، قسه کشمیر تمام نخواهد شد. الان احزاب در رقابت‌های انتخاباتی‌شان گاهی انتقاده‌ا و اعتراض‌هایی می‌کنند، ولی در کلیت قضیه خیلی به نظرم تغییری حاصل نخواهد شد. مگر این که مجامع بین‌المللی از دولت هند بخواهند که برگردد به قانون اساسی خودش. دولت هند باید این ماده را تغییر بخواهند که در صورتی که مسجد بابری خراب شد، پس از آن مسجد بابری خراب می‌شود.

لذا این که بگوییم اگر دور دوم دولت آقای مودی گذشت و دولت حزب بی‌جی‌بی با آقای مودی رفت و دیگری آمد، نه، قسه کشمیر تمام نخواهد شد. الان احزاب در رقابت‌های انتخاباتی‌شان گاهی انتقاده‌ا و اعتراض‌هایی می‌کنند، ولی در کلیت قضیه خیلی به نظرم تغییری حاصل نخواهد شد. مگر این که مجامع بین‌المللی از دولت هند بخواهند که برگردد به قانون اساسی خودش. دولت هند باید این ماده را تغییر بخواهند که در صورتی که مسجد بابری خراب شد، پس از آن مسجد بابری خراب می‌شود.

لذا این که بگوییم اگر دور دوم دولت آقای مودی گذشت و دولت حزب بی‌جی‌بی با آقای مودی رفت و دیگری آمد، نه، قسه کشمیر تمام نخواهد شد. الان احزاب در رقابت‌های انتخاباتی‌شان گاهی انتقاده‌ا و اعتراض‌هایی می‌کنند، ولی در کلیت قضیه خیلی به نظرم تغییری حاصل نخواهد شد. مگر این که مجامع بین‌المللی از دولت هند بخواهند که برگردد به قانون اساسی خودش. دولت هند باید این ماده را تغییر بخواهند که در صورتی که مسجد بابری خراب شد، پس از آن مسجد بابری خراب می‌شود.